

جغرافیا و توسعه - شماره ۱۷ - بهار ۱۳۸۹

وصول مقاله : ۱۳۸۷/۹/۱۷

تأیید نهایی : ۱۳۸۸/۹/۲۶

صفحات : ۲۸-۷

## کاربرد تحلیل عاملی در تبیین الگوی فضایی توسعه و توسعه‌نیافتگی شهری - منطقه‌ای در ایران

دکتر عیسی ابراهیم‌زاده<sup>۱</sup>  
دانشیار جغرافیا دانشگاه سیستان و بلوچستان

محمد اسکندری‌ثانی  
کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

مرتیضی اسمعیل‌نژاد  
دانشجوی دکتری اقلیم در برنامه‌ریزی محیطی

### چکیده

در این مقاله که از نوع کاربردیست با روش تحلیلی - تطبیقی به بررسی چگونگی سطوح توسعه‌نیافتگی کلیه شهرستان‌های ایران بر اساس تقسیمات اداری - سیاسی سال ۱۳۸۵ پرداخته شده است. شهرستان‌های کشور در چهار گروه توسعه‌یافته، نیمه‌توسعه‌یافته رو به بالا، کمتر توسعه‌یافته رو به پایین و محروم قرار گرفتند، که به علت پرهیز از زیاد شدن حجم مقاله، رتبه‌بندی فقط در عامل‌های تلفیقی ارائه شده است. یافته‌ها بیانگر آن است که وضعیت استان‌های تهران، اصفهان و یزد در اکثر عامل‌های توسعه، مطلوب و استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، خراسان جنوبی، کرمانشاه و خوزستان به ترتیب نامطلوب‌ترین می‌باشند. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی در مجموع تعداد ۳۲ شهرستان توسعه‌یافته، ۷۶ شهرستان نیمه‌توسعه‌یافته رو به بالا، ۱۲۶ شهرستان کمتر توسعه‌یافته رو به پایین و بالاخره ۱۰۶ شهرستان در کشور محروم می‌باشند. اینک با توجه به بررسی تطبیقی سطوح توسعه‌نیافتگی سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، یافته‌ها نشانگر آن است که گروه شهرستان‌های نیمه‌توسعه‌یافته رو به بالا و گروه شهرستان‌های محروم تفاوت معنی‌داری هم به لحاظ درصدی و هم از نظر تعداد، نسبت به دوره‌ی قبل در سال ۱۳۸۵ داشته‌اند. این نکته حاکی از آن است که اختلاف و نابرابری در دهه‌ی اخیر بین شهرستان‌های کشور در حال افزایش بوده، که ناشی از اعمال سیاست کلی توسعه بر پایه‌ی تئوری‌های قطب‌رشد و مرکز - پیرامون در کشور می‌باشد. گرچه می‌توان اذعان نمود که سیاست مرکز - پیرامون در برخی استان‌های توسعه‌یافته، به‌مرحله‌ی سوم خود (تراوش به حومه) در کشور ما رسیده است، لیکن به منظور رسیدن به تعادل و توسعه‌ی منطقه‌ای به نظر می‌رسد که در سیاست‌ها و برنامه‌ها بایستی بازنگری جدی صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: شهرستان‌های ایران، سازمان‌یابی فضایی، شاخص‌های توسعه، تحلیل عاملی، توسعه و توسعه‌نیافتگی.

## مقدمه

امروزه کشورهای در حال توسعه به منظور تقویت زیربنای اقتصادی خود، رهایی از وابستگی، ایجاد تعادل منطقه‌ای و در نهایت نیل به توسعه اقتصادی پایدار، نیازمند شناسایی امکانات و منابع کشورشان می‌باشند (بختیاری، ۱۳۸۰: ۳). از این رو بررسی و شناخت وضعیت مناطق و نواحی، قابلیت‌ها، محدودیت‌ها، فرصت‌ها، تهدیدها و تنگناها در برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و انتظام فضایی از اهمیت بسزایی برخوردار است. برنامه‌ریزی ناحیه‌ای که حاصل تلفیق نظریه‌های اقتصادی با مباحث جغرافیایی می‌باشد (قرخلو و حبیبی، ۱۳۸۴: ۶۰) با نگاه عمیق و همه‌جانبه به مسایل ناحیه‌ای (منطقه‌ای)، در پی انتظام کانون‌های زیستی در فضای ملی و به تعبیری دیگر در پی فراهم ساختن بهترین شرایط زیست و روابط مناسب بین کانون‌های زیستی می‌باشد. در ایران، در دومین برنامه‌ی عمرانی پنج ساله قبل از انقلاب تفکر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای مورد توجه قرار گرفت (زیاری، ۱۳۷۸: ۱۹۶) و این نوع از برنامه‌ریزی تاکنون مورد توجه دست‌اندرکاران امور واقع شده است. لیکن با وجود تجربه‌ی پنجاه ساله این نوع برنامه‌ریزی در عمل موفقیت چشمگیری را به دست نیاورده است. زیرا نگرش به توسعه‌ی اقتصادی در کشور ما براساس ایجاد قطب‌های رشد در مراکز شهری بزرگ به عنوان ابزار رشد اقتصاد ملی از یک سو موجب گردید یک نوع کم توجهی به نگرش فضایی در برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای و محلی با توجه به شرایط و پتانسیل‌های نواحی در پهنه‌ی سازمان فضایی ملی ایران پدیدار گردد و در نتیجه منجر به نوعی ناهمگونی بین نواحی بزرگ و کوچک در توزیع جمعیت، فعالیت‌ها، خدمات و کارکردها در نظام ناحیه‌ای کشور گردد، از سویی دیگر تعارض میان برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و بخشی یا به عبارتی عدم هماهنگی بین این دو نوع برنامه‌ریزی، همواره به نفع برنامه‌ریزی بخشی تمام شده است و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای به تبع تأثیرات اقتصاد سیاسی به توسعه‌ی قطب‌های رشد بسنده کرده، بطوری‌که عدم تعادل و توازن میان نواحی ایران در برخورداری از امکانات، بیش از پیش بیشتر گردید (موسوی، ۱۳۸۲: ۱۸).

اینک با توجه به اینکه توزیع منابع توسعه (منابع انسانی، منابع مالی، قدرت، شبکه‌های ارتباطی، زیرساخت‌ها و غیره) میان نواحی مختلف بطور یکنواخت تقسیم نشده است، پس با تزریق این منابع ناهمگون به نواحی نباید انتظار داشت که تمام اجزای سرزمین بطور یکسان توسعه یابند، در نتیجه، تحلیل بر روی میزان برخورداری و سنجش توسعه‌ی نواحی و بررسی روند تغییرات آنها در حقیقت گامی مؤثر در جهت آگاه نمودن دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی در جهت اختصاص منابع توسعه به مناطق مختلف با رویکرد کارایی و سازگاری (آمایش سرزمین)

می‌باشد، که موجبات توسعه‌ی پایدار سرزمینی را فراهم خواهد ساخت. ضرورت این نوع مطالعات را می‌توان از سه بعد مطرح نمود:

الف- به‌کارگیری و استفاده‌ی بهینه از منابع اقتصادی، انسانی و زیربنایی شهرستان‌های توسعه‌یافته در کوتاه‌مدت به‌منظور تسریع در امر توسعه؛

ب- شناخت سطح زندگی مردم نواحی مختلف در پهنه‌ی سرزمین؛

ج- اتخاذ تدابیر لازم در جهت کاهش عدم تعادل‌های ناحیه‌ای در بلندمدت و نیل به اهداف توزیعی؛

اینک پیرو این خط‌مشی، تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به این سؤالات است که :

- ۱- آیا به لحاظ برخورداری از نماگرها توسعه، میان شهرستان‌های ایران تفاوت وجود دارد؟
- ۲- آیا شکاف معنی‌داری در برخورداری از امکانات توسعه میان شهرستان‌های کشور وجود دارد؟
- ۳- آیا روند تغییرات توسعه‌ی شهرستان‌های کشور طی دوره‌ی ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ معنی‌دار بوده است؟

در صورت توفیق به یافتن پاسخ سؤالات فوق، این تحقیق کمک مؤثری به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران ملی و منطقه‌ای در جهت بهبود برنامه‌ها و روش‌های توزیع و توسعه‌ی زیرساخت‌های لازم به‌منظور توسعه‌ی همه‌جانبه و رسیدن به توازن‌های ملی و منطقه‌ای، خواهد نمود.

### مبانی نظری

مروری بر ادبیات نظری و کاربردی در زمینه‌ی توسعه‌ی ناحیه‌ای نشان می‌دهد که توسعه‌ی ناحیه‌ای از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. به‌طورعموم این نوع برنامه‌ریزی‌ها در سطح جهانی بعد از جنگ جهانی اول (مهدی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۵: ۶) به عنوان نگرش‌هایی برای برقرار کردن عدالت اجتماعی و اقتصادی، توزیع بهینه و کارا تر منابع و امکانات و رفاه و ثروت مطرح گردید. از پیشگامان توسعه‌ی ناحیه‌ای افرادی چون والتر ایزارد، گونار میردال، فرانسوا پرو، هیرشمن، جان فریدمن و غیره را می‌توان نام برد. اقتصاددانان «نئوکلاسیک» رشد و توسعه‌ی ناحیه‌ای را مبتنی بر توجیه‌شرایط بازار آزاد می‌دانند (پاپلی‌یزدی و رجبی، ۱۳۸۲: ۲۰۰) و معتقدند که جریان آزاد منابع بین نواحی در یک سرزمین یا کشور در بلندمدت نوعی تعادل بین ناحیه‌ای را به وجود می‌آورد (عسکری، ۱۳۸۰: ۱۱). «نئوکینزها» آن را وابسته به صادرات می‌دانند (زیاری و جلالیان، ۱۳۸۷: ۳۵)، به‌طوری‌که با تقسیم اقتصاد ناحیه به دو بخش پایه و غیرپایه، توسعه‌ی نواحی را ناشی از بخش پایه دانسته و معتقدند که سایر فعالیت‌ها زاییده‌ی

رشد فعالیت‌های بخش پایه است (Harvey, 1996:230). گونامیردال علل نابرابری‌های ناحیه‌ای را مورد بحث قرار می‌دهد و آن را ناشی از عوامل خارجی می‌داند که به دلیل انگیزه‌ی سودجویی شکل گرفته است و برتری اولیه و زمینه‌های تاریخی نواحی آن را شدت می‌دهد (گیلبرت و کاکلر، ۱۳۷۵: ۶۴).

بر اساس نظریه‌ی دوگانگی اقتصادی و نوسازی، روند توسعه و رشد جوامع مستلزم پنج مرحله‌ی اساسی می‌باشد که در طی آن جامعه باید مراحل سنتی، گذار، خیزش، بلوغ و مصرف انبوه را طی نماید (زیاری، ۱۳۸۳: ۱۲۹). "فراسنوا پرو" نظریه‌ی راهبرد قطب رشد را برای رشد و توسعه‌ی شهرستان‌های کمتر توسعه‌یافته ارایه کرد (حسین‌زاده‌دلیر، ۱۳۸۰: ۶۹). وی با تعریف توسعه به عنوان فرآیند ناپیوسته و تراکمی از ابداعات سیستم فضایی، آن را به مرکز-پیرامون تقسیم می‌کند (friedman, 1997:92). همچنین وی، نحوه‌ی نگرش به توسعه را ناشی از قطب‌های رشد می‌داند که در مرحله‌ی اول با سرمایه‌گذاری کلان‌صنعتی در نواحی بزرگ واگرایی و نابرابری ایجاد می‌شود و در مرحله‌ی دوم با انتشار تدریجی توسعه به سایر نواحی، همگرایی و برابری ایجاد می‌شود (ویلرو مولر، ۱۹۸۶: ۶۵-۶۲). طرفداران این نظریه بر سرمایه‌گذاری کلان در صنایع در بزرگترین شهرها تأکید دارند. در این نظریه دولت‌ها می‌توانند انگیزه‌های رشد اقتصادی را فراهم کنند. بدین‌سان در این نظریه به شهرها اولویت داده می‌شود تا توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی شهرها باعث توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی روستاها گردد (پاپلی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۲۰۳).

"جان فریدمن" در سال ۱۹۷۵ با ارایه‌ی نظریه‌ی "مرکز-پیرامون" مرکز را به عنوان منشأ توسعه دانسته که با زایش توسعه در مرکز به پیرامون جریان می‌یابد (Clark, 2000:9). مطابق این نظریه، دو جزء اصلی نظام سکونتگاهی عبارتند از مرکز (به عنوان کانون قدرت سلطه) و پیرامون (به عنوان جزء وابسته به کانون مرکزی)؛ همچنین طبق این نظریه، رابطه‌ی مرکز با پیرامون یک رابطه‌ی استعماری بوده و سازمان اقتصادی ملی دارای فرآیندی است که از چهار مرحله تشکیل شده است: مرحله‌ی پیش‌صنعتی، مرحله‌ی انتقالی، مرحله‌ی صنعتی و مرحله‌ی فراصنعتی. بطور کلی باید گفت در نظریه‌ی وابستگی به تأثیرات حاصل از وابستگی اقتصادی کشورهای جهان سوم به نظام جهانی اشاره می‌شود، که تأثیرات ناشی از آن نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی میان نواحی داخلی را سبب می‌گردد. بطوری‌که با تمرکز منابع و امکانات در مادرشهرهای بزرگ و تک‌شهرهای مسلط ناحیه‌ای، شکاف میان ثروت و فقر را عمیق‌تر کرده و روند کلی توسعه را آهسته نموده است (شکویی، ۱۳۷۷: ۴۵۰).

## روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی است و با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی، رویکرد حاکم بر آن تحلیلی- تطبیقی می‌باشد. قلمرو گستره‌ی مکانی پژوهش، کلیه‌ی شهرستان‌های ایران براساس تقسیمات اداری- سیاسی سال ۱۳۸۵ بوده است. گام نخست، استخراج متغیرهای موجود (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیربنایی) و تبدیل آنها از طریق سرانه‌سازی و نسبت‌های مختلف به شاخص است. در مرحله‌ی بعدی ۳۵ شاخص مختلف در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیربنایی که از آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۸۵) اخذ گردیده، با روش تحلیل عاملی نوع R به شش عامل برتر کاهش پیدا نمود. برای هر یک از عوامل مقدار ویژه، درصد واریانس، واریانس تجمعی و همچنین ضریب اختلاف (شکاف برخورداری بین شهرستان‌ها) تبیین گردید. با توجه به هر یک از عوامل استخراج شده، شهرستان‌های کشور در چهار گروه توسعه‌یافته، نیمه‌توسعه‌یافته رو به بالا، کمتر توسعه‌یافته رو به پایین و محروم قرار گرفتند، که به علت پرهیز از زیاد شدن حجم مقاله، رتبه‌بندی فقط در عامل‌های تلفیقی ارایه شده است. در گام بعدی میزان اختلاف بین شهرستان‌ها در برخورداری از هر یک از عامل‌ها محاسبه شد و در نهایت یک مقایسه‌ی تطبیقی بین دوره‌های آماری ۱۳۸۵ و ۱۳۷۵ صورت گرفته تا مشخص گردد که کدام شهرستان‌ها نسبت به دوره‌ی قبل دارای پیشرفت، پسرفت یا ثابت بوده‌اند.

## ضرورت و اهمیت توسعه‌ی متوازن و تعادل منطقه‌ای

### الف- از منظر اقتصادی

تمرکز صنایع در یک یا چند منطقه موجب استفاده‌ی بیش از ظرفیت از امکانات آن منطقه و ازسویی بلا استفاده ماندن پتانسیل‌های مناطق دیگر می‌شود. به عبارت دیگر استفاده‌ی بیش از حد توان یک منطقه، پیامدهای زیانباری به‌ویژه در ابعاد محیطی و انسانی بر آن منطقه دارد. بطوری‌که بهره‌برداری بی‌رویه نه تنها موجب استهلاک سریع‌تر امکانات ایجاد شده می‌شود، بلکه به تخلیه‌ی منابع تجدیدنپذیر نیز سرعت می‌بخشد. بعلاوه موجبات عدم استفاده‌ی مطلوب از نهاده‌ها را نیز فراهم می‌آورد (سلیمی‌فر، ۱۳۷۹: ۶۵).

آلودگی هوا، زمین و آب‌ها، عوارض سوء تمرکزگرایی در بعضی از مناطق است. نگاهی به تهران و برخی متروپل‌های دیگر از جمله مصادیق این پدیده است. اما آنچه که در مناطق محروم اتفاق می‌افتد، کمتر از نواحی برخوردار نیست، با این تفاوت که نوع خسارت‌ها با یکدیگر متفاوت

می‌باشد. از بین رفتن بنیان‌های اقتصادی، تخلیه‌ی روستاها و بلااستفاده ماندن امکانات موجود در نقاط روستایی و بالتبع از بین رفتن زیربناهای موجود مانند قنات‌ها و زمین‌های کشاورزی و گسترش بیابان‌زایی را موجب می‌شود.

#### ب- از دیدگاه اجتماعی

مهمترین پیامد اجتماعی گریز ناپذیر عدم تعادل‌های ناحیه‌ای، مهاجرت‌های غیر طبیعی با نرخ‌های بالا از نواحی محروم به متروپل‌ها و نواحی برخوردار می‌باشد. نتیجه‌ی این امر رشد سریع و نابهنجار در یک یا چند منطقه و بروز پدیده‌ی حاشیه‌نشینی و گسترش ناهنجاری‌های شهری در این مناطق است.

#### ج- از دیدگاه سیاسی

از مظاهر ساختار محور- حاشیه شکل‌گیری روح حاشیه‌گرایی است که به عنوان واکنش عاطفی دفاع فرهنگی بر ضد انتشار سلطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از سوی محور تعریف می‌شود (مویر، ۱۳۸۰: ۲۰۹)، بطوری‌که اختلافات اقتصادی و اجتماعی در اثر تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در یک یا چند منطقه باعث نابرابری‌های منطقه‌ای شده و نارضایتی‌های اقوام و ساکنان حاشیه را افزایش داده و التهابات سیاسی را شدت می‌بخشد.

#### شاخص‌ها، مواد و تکنیک‌های تحقیق

##### ۱- شاخص‌ها<sup>۱</sup>

با توجه به اینکه شاخص‌ها ارقامی هستند برای اندازه‌گیری و سنجش نوسان عوامل متغیر در طول زمان، در این پژوهش از شاخص‌های ترکیبی استفاده شده است مزیت این نوع شاخص‌ها در آن است که مثلاً برخی نواحی ممکن است به لحاظ بهداشت و مسکن وضعیت مناسبی داشته باشند، ولی به لحاظ اجتماعی عقب‌مانده باشند. از این‌رو می‌توان با شاخص‌های ترکیبی نتایج قابل اعتمادتری کسب نمود. این شاخص‌های ترکیبی شامل تعداد ۳۵ شاخص در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بهداشتی، زیربنایی و کالبدی می‌باشند.

جدول ۱: شاخص‌های مورد استفاده در تبیین الگوی فضایی توسعه و توسعه‌نیافتگی شهری - منطقه‌ای در ایران\*

اقتصادی	اجتماعی	زیربنایی و کالبدی	آموزشی و فرهنگی
۱- GDP	۱- درصد شهرنشینی	۱- تعداد دفاتر پستی	۱- نرخ باسوادی
۲- معکوس نرخ بیکاری	۲- معکوس خانوار به مسکن	۲- فاصله از مرکز	۲- تحصیلات زنان
۳- معکوس افراد تحت پوشش کمیته‌امداد و بهزیستی	۳- درصد شاغلان زن	۳- فاصله تا نزدیکترین فرودگاه	۳- دانشجویان فوق-لیسانس و بالاتر در ۱۰ هزار نفر
۴- معکوس بار تکفل	۴- نرخ مهاجرت	۴- فاصله تا نزدیکترین ایستگاه راه‌آهن	۴- نسبت مدارس راهنمایی به ۱۰ هزار نفر
۵- تعداد شعب بانک به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	۵- چگالی جمعیت	۵- مسکن‌روستایی‌دارای تلفن	۵- نسبت دبیرستان و هنرستان به ۱۰ هزار نفر
۶- ضریب اشتغال زنان	۶- تعداد پزشک به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	۶- تعداد مراکز درمانی	۶- نسبت کتابخانه و کانون پرورش فکری کودکان به ۱۰ هزار نفر
۷- تعداد شاغلان به کل جمعیت	۷- تعداد داروخانه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	۷- تعداد داروخانه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	۷- متخصصان به کل
۸- سرانه مالیات دریافتی	۸- بر خورداری از آب آشامیدنی سالم	۸- بر خورداری از آب آشامیدنی سالم	
۹- سرانه در آمد شهرداری	۹- نسبت تأسیسات ورزشی	۹- نسبت تأسیسات ورزشی	
۱۰- درصد شاغلان بخش صنعت به کل جمعیت شاغل		به ۱۰ هزار نفر	
۱۱- درصد شاغلان بخش حمل‌ونقل به کل جمعیت شاغل			

\* شاخص‌های توسعه برگرفته از سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵.

## ۲- تحلیل عاملی<sup>۱</sup>

معمولاً در انجام تحقیقات به دلایل مختلف با حجم زیادی از متغیرها روبرو هستیم. برای تحلیل دقیق‌تر داده‌ها و رسیدن به نتایج علمی‌تر و در عین حال عملیاتی‌تر، محققان به دنبال کاهش حجم متغیرها و یا تشکیل ساختار جدیدی برای آنها می‌باشند. یکی از راههای کاهش حجم متغیرها، استفاده و بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی می‌باشد. تحلیل عاملی سعی در شناسایی متغیرها یا عامل‌های اساسی به‌منظور تبیین الگوی همبستگی بین متغیرهای مشاهده شده، دارد. در عین حال تحلیل عاملی نقش مهمی در شناسایی متغیرهای مکنون (latent) یا همان عامل‌ها از طریق متغیرهای مشاهده شده دارد (مؤمنی و قیونی، ۱۳۸۶: ۱۹۱). بدین‌منظور در این تحقیق از این روش استفاده شده و مراحل انجام آن به صورت ذیل است:

**الف- تشکیل ماتریس داده‌ها**

ماتریس داده‌ها عبارت است از جدولی که ستون‌های آن شامل شاخص‌ها (۳۵ شاخص) و سطرهای آن شامل کلیه شهرستان‌های کشور می‌باشد.

**ب- محاسبه‌ی ماتریس همبستگی**

برای داشتن ارتباط درونی شاخص‌ها از ماتریس همبستگی استفاده می‌شود. با ۳۵ شاخص موجود، ماتریس  $35 \times 35$  خواهد بود که مقادیر قطر آن همگی ۱ و اعداد زیر قطر آن تکرار اعداد بالای قطر است، زیرا همبستگی هر شاخص، با خود شاخص همواره ۱ و همبستگی شاخص ۲ به ۱ همواره همبستگی شاخص ۱ با شاخص ۲ است (توفیق، ۱۳۷۲: ۱۱).

**ج- استخراج عامل‌ها**

استخراج عامل‌ها با استفاده از ماتریس همبستگی بین شاخص‌ها به دست می‌آید. با استفاده از ماتریس عاملی، عوامل مشترک<sup>۱</sup> هر یک از شاخص‌ها معلوم می‌شود. سپس بردارهای ویژه برای تمامی مقادیر ویژه غیر صفر محاسبه می‌شود (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۲۳۲). بردارهای ویژه در حقیقت مقدار بارگذاری متناظر با هر شاخص برای عامل مربوطه است که بار عاملی<sup>۲</sup> نامیده می‌شود.

**د: دوران عامل‌ها<sup>۳</sup>**

اگر هر شاخص روی یک عامل حمل شود و یا مقادیر بارگذاری شده در عامل، بزرگ و مثبت و یا نزدیک به صفر باشد، در آن صورت کار تفسیر عوامل ساده خواهد بود. ولی در صورتی که مقادیر بارگذاری هر شاخص شامل مقادیر متوسط روی چند عامل باشد، کار تفسیر عامل سخت خواهد بود. برای رسیدن به حالت مطلوب، عوامل چنان دوران داده می‌شوند تا ساختار ساده‌ای به دست آید (موسوی و حکمت‌نیا، ۱۳۸۴: ۶۱). در این پژوهش برای دوران عامل‌ها از روش واریماکس<sup>۴</sup> استفاده شده است.

**ه: نام‌گذاری عامل‌ها**

با توجه به میزان همبستگی هر یک از شاخص‌ها می‌توان اسامی یا عناوین مناسبی را برای هر یک از آنها انتخاب نمود (تقوایی و رحمتی، ۱۳۸۴: ۱۲۴) که در این تحقیق شامل شاخص‌های؛ آموزشی، اقتصادی- اجتماعی، اشتغال، بهداشتی، ارتباطات و جمعیتی- اقتصادی بوده است.

---

1- Common Factor  
2- Factor Loading  
3- Factor Rotation  
4- Varimax



### ۳- ضریب اختلاف

ضریب اختلاف در برخی از منابع به ضریب ویلیامسون (پراکندگی) نیز شهرت دارد و شاخصی است که مشخص می‌کند تا چه حدی یک شاخص در بین مناطق یا نواحی به صورت نامتعادل توزیع شده است. ضریب اختلاف با استفاده از فرمول ذیل محاسبه می‌گردد (فرج‌زاده، ۱۳۸۶: ۷۶). لازم به ذکر است که مقدار بالای CV نشان‌دهنده‌ی نابرابری بیشتر در توزیع شاخص‌ها است (کلاتتری، ۱۳۸۰: ۱۴۱).

$$CV = \frac{\delta}{\bar{x}} \times 100$$

### - مدل شاخص ترکیبی توسعه انسانی

این روش توسط UNDP برای محاسبه شاخص توسعه‌ی انسانی کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد که قابلیت گسترش و جایگزینی بیشتری را دارا است. ساختار کلی این مدل به این شرح است (کلاتتری، ۱۳۸۰: ۱۶۵).

#### رابطه‌ی (۱)

$$D_{cij} = \frac{\text{Max}x_{ij} - \text{Actulvaluex}_{ij}}{\text{Max}x_{ij} - \text{Min}x_{ij}}$$

در رابطه‌ی (۱)  $D_{cij}$  (Deprivation score) شاخص محرومیت برای منطقه  $j$ ام با توجه به شاخص  $i$ ام محاسبه می‌شود.

$$D_{cij} = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n D_{cijx}$$

#### رابطه‌ی (۲)

در رابطه‌ی (۲) از شاخص میانگین استفاده می‌شود.

$$HDI = (1 - D_{cij})$$

#### رابطه‌ی (۳)

در رابطه‌ی (۳) HDI میزان درجه یا سطوح توسعه را در نواحی مشخص می‌کند. مقدار آن عبارت است از مابه‌التفاوت عدد یک از متوسط مقدار شاخص توسعه که معمولاً بین یک حداقل (صفر) و یک حداکثر (یک) قرار می‌گیرند (زیاری، ۱۳۸۱: ۱۳۳).

### تحلیل عامل‌های توسعه‌یافتگی شهرستان‌های ایران

در پژوهش حاضر از تحلیل عاملی نوع R با روش مؤلفه‌های اصلی استفاده شده، که هدف آن خلاصه کردن تعداد زیاد شاخص‌ها به عوامل معنی‌دار می‌باشد (کلاتتری، ۱۳۸۲: ۲۸۲). تعداد ۳۳۶ شهرستان ایران با ۳۵ شاخص مربوطه با این روش مورد سنجش و بررسی قرار گرفته‌اند.

شاخص‌های به کار رفته به ۶ عامل برتر از طریق چرخش واریماکس تقلیل پیدا نمودند. سپس از طریق استاندارد کردن مبادرت به رفع اختلاف مقیاس گردیده است. مجموع ۶ عامل تقریباً ۸۰ درصد از واریانس را تبیین می‌کند، که نشان از رضایت‌بخش بودن تحلیل‌عاملی و متغیرهای مورد مطالعه می‌باشد. در جدول زیر مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی هر یک از عوامل آمده است که باتوجه به همبستگی هر یک از شاخص‌ها عنوان مناسبی برای آنها برگزیده شده است.

جدول ۲: نام عامل‌ها، مقادیر ویژه، واریانس و ضریب اختلاف عامل‌ها در تحلیل داده‌ها\*

نام عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی	ضریب اختلاف
آموزشی	۶/۸۵	۱۹/۵۵	۱۹/۵۵	۰/۵۵
اقتصادی - اجتماعی	۵/۴۱	۱۵/۴۶	۳۵/۰۲	۰/۸۳
اشتغال	۴/۵۵	۱۳/۰۱	۴۸/۰۳	۰/۴۹
بهداشتی	۴/۳۴	۱۲/۳۷	۶۰/۴	۰/۳۳
ارتباطات	۳/۸	۱۰/۱۵	۷۱/۶۲	۰/۵۷
جمعیتی - اقتصادی	۲/۸۵	۸/۲۵	۷۹/۵۲	۰/۶۵

\* محاسبات آماری توسط نگارندگان، ۱۳۸۷.

### عامل اول: آموزشی

در این عامل ۸ شاخص تحصیلات زنان، نرخ باسوادی، دانشجویان فوق‌لیسانس و بالاتر، ۱۰ هزار نفر تعداد متخصصین به کل، نسبت مدارس راهنمایی به ۱۰ هزار نفر، نسبت دبیرستان و هنرستان به ۱۰ هزار نفر، نسبت کتابخانه و کانون پرورش فکری کودکان به ۱۰ هزار نفر و نسبت تأسیسات ورزشی به ۱۰ هزار نفر بارگذاری شده‌اند، که وضعیت آموزشی را در شهرستان‌های ایران نشان می‌دهند. مقدار ویژه‌ی این عامل ۶/۸۵ می‌باشد که به تنهایی قادر است ۱۹/۵۵ درصد از واریانس را تبیین کند. این عامل بیشترین تأثیر را در بین عوامل ۶ گانه دارد. این مقدار نشان می‌دهد که در دهه‌ی اخیر کشور به لحاظ شاخص‌های آموزشی پیشرفت زیادی نسبت به سایر عوامل دیگر همچون عامل اشتغال یا عامل اقتصادی داشته است. در این عامل بهترین وضعیت را شهرستان تهران دارا می‌باشد و قابل توجه است که شهر کوچک تفت نیز در استان یزد از وضعیت آموزشی مطلوبی برخوردار می‌باشد. از طرفی دیگر شهرستان‌های کنارک در استان سیستان و بلوچستان و شهرستان بوکان در استان آذربایجان غربی پایین‌ترین وضعیت را دارا می‌باشند. ضریب اختلاف در این عامل بین شهرستان‌های کشور ۵۵ درصد است که نشان از اختلاف نسبتاً زیاد شهرستان‌های کشور به لحاظ برخورداری از این عامل می‌باشد.

### عامل دوم: اقتصادی - اجتماعی

مقدار ویژه این عامل ۵/۴۱ می‌باشد که ۱۵/۴۶ درصد از واریانس را توجیه می‌کند و در ۸ شاخص همانند GDP، تعداد شعب بانک به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، میزان شهرنشینی، سرانه درآمد شهرداری، معکوس خانوار به مسکن، درصد شاغلان بخش صنعت به کل جمعیت شاغل، درصد شاغلان زن به کل جمعیت شاغل، درصد شاغلان بخش حمل و نقل به کل جمعیت شاغل بارگذاری شده‌اند. تجمع شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی در یک عامل بدین معنی است که بین شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد، یعنی نواحی که به لحاظ شاخص‌های اقتصادی در سطح بالایی قرار دارند، از وضعیت اجتماعی مطلوبی نیز بهره‌مندند. مقدار ویژه و درصد توجیه واریانس، مبین آن است که این عامل با شاخص‌های بارگذاری شده‌ای همانند GDP، تعداد شعب بانک به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر و میزان شهرنشینی و غیره... دومین عامل تأثیرگذار در توسعه‌ی شهرستان‌های ایران بوده است. در این عامل بهترین وضعیت را در شهرستان‌های تهران و یزد مشاهده می‌نماییم، شایان توجه است که اکثر شهرستان‌های استان اصفهان از این حیث وضعیت مناسبی در سطح کشور دارا می‌باشند. از سویی دیگر شهرستان‌های زهک در استان سیستان و بلوچستان، رشتخوار در استان خراسان رضوی، رودبار جنوب در استان کرمان و سریشه در استان خراسان جنوبی از شرایط اقتصادی - اجتماعی پایینی برخوردارند. ضریب پراکندگی محاسبه شده برای این عامل ۸۳ درصد است که بالاترین اختلاف را در بین عامل‌ها به خود اختصاص داده است.

### عامل سوم: عامل اشتغال

سومین عامل تأثیرگذار در توسعه‌ی شهرستان‌های کشور اشتغال بوده است. مقدار ویژه‌ی این عامل ۴/۵۵ بوده که ۱۳/۰۱ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. در این عامل ۴ شاخص (معکوس نرخ بیکاری، معکوس بار تکفل، ضریب اشتغال زنان و تعداد شاغلان به کل جمعیت) بارگذاری شده‌اند. در بین شهرستان‌های کشور، بهترین حالت را شهرستان‌های نائین، یزد و اصفهان دارا می‌باشد. از سویی دیگر شهرستان‌های آبدانان، ایرانشهر، سراوان، صحنه، سرپل ذهاب و روانسر بدترین وضعیت را به خود اختصاص داده‌اند. با نگاهی اجمالی به کل شهرستان‌های کشور متوجه می‌شویم که اکثر شهرستان‌های استان‌های خوزستان و کرمانشاه از وضعیت نامطلوبی در این عامل برخوردارند. ضریب پراکندگی در این عامل ۴۹ درصد می‌باشد، که وضعیت متوسطی را در بین سایر عامل‌ها دارد.

**عامل چهارم: بهداشت**

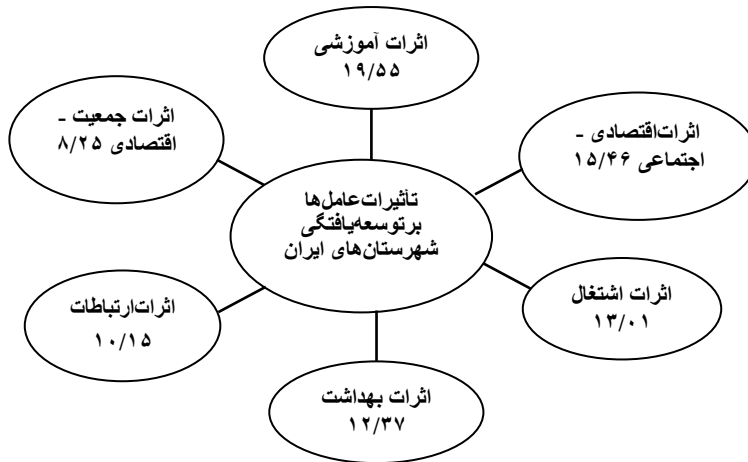
با توجه به درصد توجیه واریانس ۱۲/۳۷ و مقدار ویژه‌ی آن ۴/۳۴، و با چهار شاخص (تعداد مراکز درمانی، تعداد پزشک به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد داروخانه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر و برخورداری از آب آشامیدنی سالم) در این عامل بارگذاری شده‌اند. وضعیت بهداشتی، چهارمین عامل توسعه‌ی شهرستان‌های کشور بوده است. شهرستان‌های خمینی‌شهر، همدان، شاهرود و شمیرانات بهترین و شهرستان‌های زرین‌دشت و خرم‌بید در استان فارس، بيله‌سوار در استان اردبیل، خاش در استان سیستان و بلوچستان، نهبندان در استان خراسان جنوبی، مانه و سملقان در استان خراسان شمالی پایین‌ترین وضعیت را از این حیث دارا می‌باشند. براساس نتایج محاسبه شده، ضریب پراکندگی در این عامل ۳۳ درصد است که پایین‌ترین اختلاف را در بین سایر عوامل به خود اختصاص داده است.

**عامل پنجم: عامل ارتباطات**

عامل ارتباطات نقش گسترده‌ای در توسعه‌ی کشورها دارد، لیکن در ایران رتبه‌ی پنجم را به لحاظ توسعه‌یافتگی در شهرستان‌ها به خود اختصاص داده است. مقدار ویژه این عامل ۳/۸ و درصد تبیین واریانس آن ۱۰/۱۵ می‌باشد. پنج شاخص (تعداد دفاتر پستی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، فاصله از مرکز، فاصله تا نزدیکترین فرودگاه، فاصله تا نزدیکترین ایستگاه راه آهن، مسکن روستایی دارای تلفن) در این عامل قرار گرفته‌اند. شهرستان‌های جم و کنگان در استان بوشهر، بوانات در استان کرمانشاه، خواف در استان خراسان رضوی، عنبرآباد در استان کرمان کمترین برخورداری و شهرستان‌های تهران، مشهد، البرز در استان قزوین بهترین شرایط را از وضعیت ارتباطی دارا هستند. ضریب پراکندگی در عامل ارتباطات ۵۷ درصد می‌باشد.

**عامل ششم: عامل جمعیتی - اقتصادی**

آخرین عاملی که از شاخص‌های منتخب، عامل جمعیتی - اقتصادی است که از ترکیب شاخص‌های اقتصادی و جمعیتی به دست آمد. مقدار ویژه در این عامل ۲/۸۵ و درصد تبیین واریانس ۸/۲۵ می‌باشد. چهار شاخص مورد محاسبه در این عامل شامل؛ نرخ مهاجرت، سرانه‌ی مالیات دریافتی، معکوس افراد تحت پوشش کمیته‌ی امداد و بهزیستی و چگالی جمعیت می‌باشند. شهرستان پاوه در استان کرمانشاه، هشتروند در استان آذربایجان غربی، فومن و شفت در استان گیلان پایین‌ترین و شهرستان‌های شهریار، رباط‌کریم در استان تهران، تاکستان در استان قزوین بهترین وضعیت را از این عامل دارا می‌باشند. ضریب اختلاف برای این عامل ۶۵ درصد محاسبه گردیده است.



شکل ۱: نسبت تأثیر عامل‌های ۶ گانه در توسعه‌یافتگی شهرستان‌های کشور  
 مأخذ: محاسبات آماری توسط نگارندگان، ۱۳۸۸.

### گروه‌بندی شهرستان‌ها بر اساس عامل‌های تلفیقی توسعه

با بهره‌گیری از فرمول شاخص ترکیبی توسعه‌ی انسانی، عامل‌های ۶ گانه با همدیگر به‌عنوان شاخص‌های تلفیقی مورد محاسبه قرار گرفتند. بر اساس یافته‌های اولیه، شهرستان‌های تهران و شمیرانات با فاصله‌ی بسیار زیاد از سایر شهرستان‌ها به‌عنوان نواحی ناهمگن شناخته شدند. سایر مراکز استان‌ها بجز شهرستان‌های ایلام، زاهدان، یاسوج، سنندج و بندرعباس که فاصله‌ی زیادی با سایر مراکز استانی کشور داشتند، بقیه مراکز استان‌ها با فاصله‌ی کمتری از یکدیگر در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در عین حال دیگر شهرستان‌های نهبندان، دهدشت، سرپاز، آبدانان، ثلاثه باباجانی، در میان، هرسین، زهک، شیروان و چرداول و جاسک محروم‌ترین شهرستان‌های کشور هستند. در مجموع از ۳۳۶ شهرستان کشور ۱۷ درصد کل شهرستان‌ها توسعه‌یافته، ۲۵ درصد توسعه‌یافته رو به بالا، ۳۵ درصد توسعه‌یافته رو به پایین و ۲۳ درصد در گروه شهرستان‌های محروم جا گرفته‌اند. ضریب اختلاف مورد محاسبه ۵۷ درصد بوده که نشان‌دهنده‌ی نابرابری زیاد در برخورداری از شاخص‌های توسعه بین شهرستان‌های کشور می‌باشد.

جدول ۳: نسبت سطوح برخورداری شهرستان‌های ایران از منظر عامل‌های تلفیقی توسعه (۱۳۸۵)\*

توسعه‌یافته		نیمه توسعه‌یافته رو به بالا		کمتر توسعه‌یافته رو به پایین		محروم		مجموع	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۳۲	۹/۵۳	۷۲	۲۱/۴۲	۱۲۶	۳۷/۶	۱۰۶	۳۱/۵۴	۳۳۶	۱۰۰

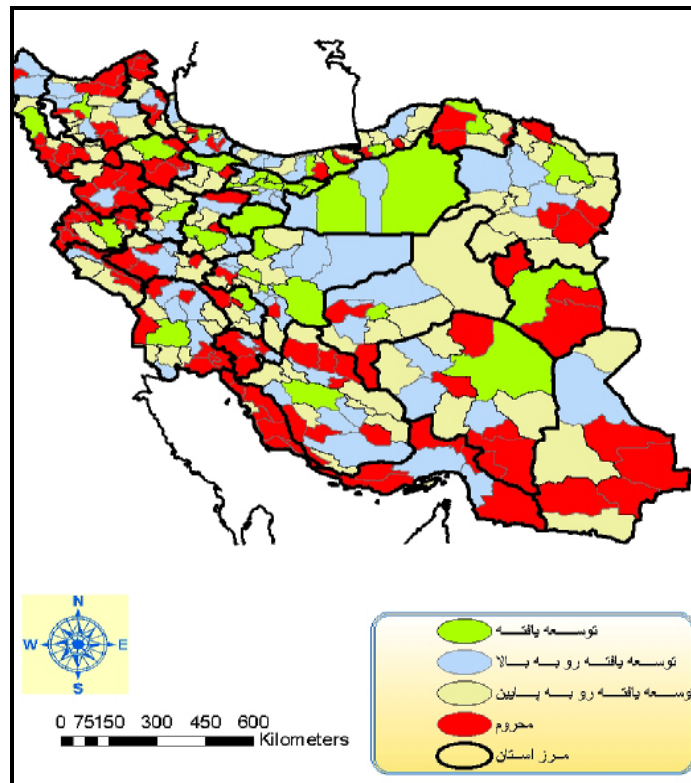
\* محاسبات آماری توسط نگارندگان، ۱۳۸۷.

## جدول ۴: تعیین سطوح توسعه و توسعه نیافتگی شهرستان‌های ایران به لحاظ

شاخص‌های تلفیقی تحلیل عاملی<sup>۱</sup>

تعداد	نام شهرستان‌ها	درصد عامل‌های تلفیقی توسعه	میزان برخورداری
۳۳	تهران، شمیرانات، اصفهان، مشهد، شیراز، یزد، قزوین، قم، همدان، اراک، کاشان، زنجان، سمنان، کرمان، ساری، ارومیه، شهرکرد، گرگان، اهواز، رشت، بندرانزلی، کرمانشاه، بیرجند، اردبیل، تبریز، بجنورد، نجف آباد، خمینی شهر، بابل، فیروزکوه، دماوند، رباط کریم.	۷۵-۱	توسعه یافته
۷۲	سنندج، رفسنجان، دامغان، اردکان، دلیجان، سراب، بندرعباس، مرودشت، ایلام، بوشهر، زاهدان، خرم‌آباد، سبزوار، تفت، بابلسر، نوشهر، جهرم، ابهر، چالوس، بروجن، ساوجبلاغ، پاکدشت، اسلامشهر، مبارکه، نطنز، خوانسار، فلاورجان، اردستان، شبستر مرند، خوی، ماکو، شهرضا، گلپایگان، لنجان، نائین، ورآمین، تربت‌حیدریه، نیشابور، رامهرمز، شوشتر، گرمسار، فسا، کازرون، سیرجان، بویراحمد، گنبد، رودبار، رودسر، لنگرود، بروجرد، آمل، رامسر، ساوه، محلات، میناب، ملایر، نهاوند، میبد، مراغه، اهر، دزفول، مسجدسلیمان، جیرفت، طالش، کهگیلویه، آبادان، لاری، البرز، قایم شهر، بابل	۵۰-۷۵	نیمه توسعه یافته رو به بالا
۱۲۶	اسدآباد، بهار، تفرش، بردسکن، کاشمر، آشتیان، زابل، رازن، کبوترآهنگ، طبس، ابرکوه، محمودآباد، نور، داراب، آباد، ماهنشان، خدابنده، اسفراین، گناوه، آذرشهر، بستان آباد، بناب، جلفا، عجشیر، ملکان، میانه، تکاب، چالدران، سلمان، شاهین دژ، نقده، خلخال، مشکین‌شهر، مغان، آران و بیدگل، برخوار، تیران، شادگان، سمیرم، فریدن، فریدونشهر، مهران، دهلران، نظرآباد، اردل، سرخس، گناباد، شیروان، ماهشهر، بهبهان، دشت آزادگان، استهبان، اقلید، سپیدان، فیروزآباد، ممسنی، نیریز، لامرد، ارستان، پاسارگاد، بوئین زهرا، تاکستان، سفز، فروه، راور، کوهبنان، آق‌قلا، علی‌آباد، بندرترکمن، مینودشت، آستارا، آستانه اشرفیه، املش، رضوان‌شهر، ماسال، درود، بهشهر، تنکابن، سوادکوه، جویبار، خمین، زرنديه، کمیجان، قشم، توپسریکان، مهریز، لردگان، فردوس، قاین، قوچان، محولات، اندیمشک، ایذه، باغملک، شادگان، شوش، ایرانشهر، چابهار، بافت، شهرباک، زرنده، اسلام آباد، کنگاور، هرسین، کلالة، فومن، الیگودرز، هریس، طارم، تربت‌جام، خلیل‌آباد، چناران، فریمان، خرمشهر، بندرلنگه، بم، شاه زند، گلگاه، بافق، صدوق، زرنديه، سیاهکل، آزادشهر، گچساران، دنا، میان‌دوآب.	۲۵-۵۰	کمتر توسعه یافته رو به پایین
۱۰۶	کنکان، ایچرود، بافت، خاتم، نکا، سربیشه، ابوموسی، ازنا، بندرگز، مانه و سملقان، بیجار، خرم‌دره، فیروزکازین، جاجرم، دیلم، دشتی، جم، تنگستان، نیر، اسکو، کلیبر، چایمغا، ورزقان، هشترو، اشنویه، بیله سوار، پارس آباد، کوهسار، نمین، سمیرم سفلا، ایوان، دره‌شهر، شیروان و چرداول، دشتستان، دیر، فارس، کوه‌رنگ، درمیان، خواف، رشت‌خوار، کلات، فاروج، امیدیه، رامشیر، گتوند، هندیجان، زهک، کنارک، خرم‌بید، بوانات، زرین‌دشت، مهر، فراشبند، خنج، بایک، دیواندره، سروآباد، کامیاران، مریوان، صحنه، قصرشیرین، رامیان، کردکوی، پلدختر، سلسله، بوستاک، بندر خمیر، پارس‌سیان، حاجی‌آباد، رودان، بوکان، پیرانشهر، سردشت، آبدانان، سرایان، نهبندان، درگز، تایباد، لالی، خاش، سراوان، سرباز، نیکشهر، بردسیر، بانه، جوانرود، دالاهو، روانسر، رودبار جنوب، عنبرآباد، کهنوج، ثلاث باباجانی، پاره‌سریل، ذهاب، گیلان غرب، بهمنی، شفت، دلفان، کوه‌دشت، جاسک، قلعه گنج، منوجان، صومعه‌سرا، سنقر.	۰-۲۵	محروم

۱- محاسبات بر اساس شاخص‌های تلفیقی تحلیل عاملی و با استفاده از عامل‌های تلفیقی توسعه توسط نگارندگان، ۱۳۸۷.



نقشه ۱: توزیع فضایی سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های ایران به لحاظ عامل‌های تلفیق

### بررسی تطبیقی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های کشور (دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵)

در مقایسه‌ی تطبیقی سطوح توسعه و توسعه‌نیافتگی کشور در سال ۱۳۸۵ با آنچه در این ارتباط در سال ۱۳۷۵ (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۴: ۷۰-۵۵) انجام گرفته است؛ نتایج حاصل بیانگر آن است که در سال ۱۳۷۵ مهم‌ترین عامل توسعه‌یافتگی شهرستان‌های ایران عامل اقتصادی-اجتماعی بوده است و این در حالی است که در سال ۱۳۸۵ مهم‌ترین عامل توسعه، عامل آموزشی می‌باشد. این تفاوت نشان از رشد قابل توجه اکثر شهرستان‌های کشور به لحاظ این عامل بوده است. از منظری دیگر در سال ۱۳۷۵ تعداد ۲۵ شهرستان توسعه‌یافته (۹/۸ درصد)، ۷۷ شهرستان توسعه‌یافته رو به بالا (۳۰/۴ درصد)، ۷۳ شهرستان توسعه‌یافته رو به پایین (۲۸/۸ درصد) و بالاخره ۷۸ شهرستان محروم (۳۰/۸ درصد) بوده‌اند، لیکن در سال ۱۳۸۵ از این تعداد ۳۲ شهرستان (۹/۵ درصد) در گروه شهرستان‌های توسعه‌یافته قرار گرفته‌اند که به لحاظ درصد تغییر چندانی با سال ۱۳۷۵ مشاهده نمی‌شود. اما به لحاظ تعداد ۷ شهرستان

جدید به این گروه ملحق شده‌اند که البته این شهرستان‌ها عمدتاً شامل نقاطی هستند که یا بر اثر تقسیمات کشوری و سیاسی جزء مراکز استانی شده‌اند و یا در پیرامون متروپل‌هایی همچون تهران و اصفهان قرار دارند. در تبیین این رخداد می‌توان ادعا نمود که سیاست توسعه (مرکز- پیرامون) به مرحله‌ی سوم خود (تراوش به حومه) در کشور ما رسیده است.

در گروه دوم (شهرستان توسعه‌یافته رو به بالا) شاهد کاهشی به لحاظ تعداد شهرستان‌ها نبوده‌ایم، اما به لحاظ درصدی در این گروه کاهشی معادل ۹ درصد را مشاهده می‌نماییم که خود بیانگر کاهش کیفی نسبت بر خور داری این گروه از شهرهای کشور از شاخص‌های توسعه می‌باشد.

در گروه سوم شهرستان‌های توسعه‌یافته رو به پایین رشدی معادل ۱۰ درصد داشته‌اند که این مقدار به لحاظ عددی ۵۳ شهرستان را شامل می‌شود. اینک با توجه به رشد چشمگیر شهرستان‌ها در این گروه، باید گفت که اکثر آنها از گروه پایین‌تر (گروه محروم) به این سطح از توسعه رسیده‌اند، لذا گرچه این روند فی‌نفسه مثبت تلقی می‌شود؛ ولی از جایی که این اتفاق در میان دو سطح پایین از سطوح توسعه رخ داده است و نه در سطوح بالا، عملاً تغییر چشمگیری را در توسعه‌یافتگی شهری نشان نمی‌دهد. بالاخره در گروه محرومین، در سال ۱۳۷۵ تعداد ۷۸ شهرستان (۳۱ درصد) از کل شهرستان‌ها جای داشته‌اند. اما در سال ۱۳۸۵ این تعداد به ۱۰۶ شهرستان یا ۳۱/۵ درصد از کل رسیده است، که هم به لحاظ تعداد و هم درصد شاهد رشد معنی‌داری در این گروه از شهرستان‌های کشور هستیم. علت افزایش عددی زیاد شهرستان‌ها در این گروه را می‌توان ناشی از افزایش شهرستان‌های جدیدالتأسیس بر اثر تقسیمات سیاسی در سطح کشور بیان نمود، که اکنون عملاً روستاهای گذشته کمی بزرگتر و اسماً شهر شده‌اند ولی تفاوت چندانی در کارکردها و ساختارهای آنها اتفاق نیفتاده است بلکه از فقری به فقری بزرگتر گرفتار شده‌اند.

با نگاه تطبیقی به سطوح توسعه‌یافتگی سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ درمی‌یابیم که در گروه شهرستان‌های توسعه‌یافته و محروم تغییر محسوسی مشاهده نمی‌شود و خود مبین آن است که سیاست‌های تمرکززدایی از قطب‌های رشد و رفع محرومیت از نواحی پیرامونی نتوانسته، موفقیت چندانی کسب نماید. در این بین معدود شهرستان‌هایی که به گروه توسعه‌یافته راه پیدا کردند، شامل دو نوع بوده‌اند: الف- شهرستان‌هایی که به لحاظ تقسیمات سیاسی و اداری به مرکز استان تبدیل شده‌اند. ب- شهرستان‌های پیرامون متروپل‌های تهران و اصفهان. اما نواحی محروم عمدتاً یا در مناطق مرزی کشور استقرار دارند و یا در طی دهه‌ی اخیر بر اثر تقسیمات سیاسی از شهرستان‌های مادر جدا و مستقل ولی محروم مانده‌اند.

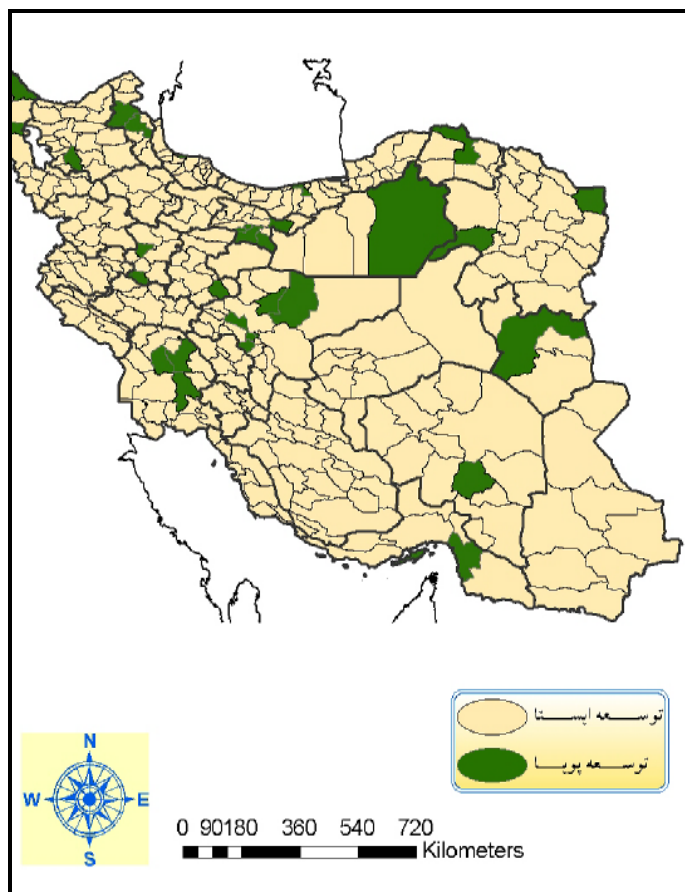


جدول ۵: مقایسه‌ی تطبیقی سطوح برخورداری شهرستان‌های ایران از منظر

شاخص‌های توسعه (۱۳۷۵-۱۳۸۵)\*

مجموع		محروم		کمتر توسعه یافته رو به پایین		نیمه توسعه یافته رو به بالا		توسعه یافته		سطوح توسعه یافتگی
۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	سال
۳۳۶	۲۵۳	۱۰۶	۷۸	۱۲۶	۷۳	۷۶	۷۷	۳۲	۲۵	تعداد
۱۰۰	۱۰۰	۳۱/۵	۳۰/۸	۳۷/۶	۲۸/۸	۲۱/۴	۳۰/۴	۹/۵	۹/۸	درصد

\* محاسبات آماری نگارندگان، ۱۳۸۷.



نقشه ۲: توزیع فضایی شهرستان‌های دارای رشد پویا و ایستا کشور طی دهه‌ی ۸۵-۱۳۷۵ بر اساس محاسبات نگارندگان، حاصل از مقایسه تطبیقی نسبت توسعه یافتگی شهری- منطقه‌ای کشور در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵.

جدول ۶: سطوح برخورداری از شاخص‌های توسعه و توسعه‌نیافتگی استان‌های کشور (۱۳۸۵)\*

ردیف	محروم		کمتر توسعه‌یافته رو به پایین		نیمه توسعه‌یافته رو به بالا		توسعه‌یافته		نام استان
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۹	۲۶/۳۱	۵	۴۲/۱	۸	۲۶/۳۱	۵	۵/۲۶	۱	آذربایجان شرقی
۱۴	۲۸/۸۵	۴	۴۲/۸۵	۶	۱۴/۲۸	۲	۷/۱۴	۱	آذربایجان غربی
۹	۵۵/۵۵	۵	۲۲/۲۲	۲	۰	۰	۱۱/۱۱	۱	اردبیل
۱۶	۱۲/۵	۲	۵۰	۸	۲۵	۴	۱۲/۵	۲	گیلان
۱۶	۶/۲۵	۱	۳۱/۲۵	۵	۴۳/۷۵	۷	۱۲/۵	۲	مازندران
۱۱	۱۸/۱۸	۲	۴۵/۴۵	۵	۹/۰۹	۱	۹/۰۹	۱	گلستان
۶	۵۰	۳	۳۳/۳۳	۲	۰	۰	۱۶/۶۶	۱	خراسان شمالی
۱۹	۲۶/۳۱	۵	۵۲/۶۳	۱۰	۱۵/۷۸	۳	۵/۲۶	۱	خراسان رضوی
۷	۷۱/۴	۵	۲۸/۵۰	۲	۰	۰	۱۴/۲۸	۱	خراسان جنوبی
۱۰	۶۰	۶	۳۰	۳	۱۰	۱	۰	۰	سیستان و بلوچستان
۱۱	۶۳/۶۳	۷	۹/۰۹	۱	۱۸/۱۸	۲	۰	۰	هرمزگان
۹	۷۷/۷۷	۷	۲۲/۲۲	۲	۱۱/۱۱	۱	۰	۰	بوشهر
۲۰	۲۵	۵	۴۵	۹	۲۵	۵	۵	۱	خوزستان
۷	۵۷/۱	۴	۲۸/۵	۲	۱۴/۲۸	۱	۰	۰	ایلام
۱۴	۷۱/۴	۱۰	۲۱/۴	۳	۰	۰	۷/۱	۱	کرمانشاه
۹	۶۶/۶۶	۶	۲۲/۲۲	۲	۱۱/۱۱	۱	۰	۰	کردستان
۸	۰	۰	۶۲/۵	۵	۲۵	۲	۱۲/۵	۱	همدان
۱۰	۰	۰	۶۰	۶	۳۰	۳	۱۰	۱	مرکزی
۷	۲۸/۵	۲	۴۲/۸	۳	۱۴/۲۸	۱	۱۴/۲۸	۱	زنجان
۵	۲۰	۱	۴۰	۲	۲۰	۱	۲۰	۱	قزوین
۲۱	۴/۷	۱	۳۳/۳۳	۷	۴۲/۸	۹	۱۹	۴	اصفهان
۱۰	۱۰	۱	۵۰	۵	۳۰	۳	۱۰	۱	یزد
۱۶	۴۳/۷۵	۷	۳۷/۵	۶	۱۸/۷۵	۳	۶/۲۵	۱	کرمان
۲۴	۲۹/۱۶	۷	۴۵/۸	۱۱	۲۰/۸	۵	۴/۱	۱	فارس
۶	۳۳/۳۳	۲	۳۳/۳۳	۲	۳۳/۳۳	۲	۱۶/۶۶	۱	چهارمحال و بختیاری
۵	۴۰	۲	۴۰	۲	۲۰	۱	۰	۰	کهگیلویه و بویراحمد
۱۳				۱		۵		۶	تهران
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۱	قم
۴	۰	۰	۰	۰	۵۰	۲	۵۰	۲	سمنان
۹	۵۰	۴	۲۵	۲	۲۵	۲	۰	۰	لرستان

\* بر اساس محاسبات نگارندگان، حاصل از تلفیق عامل‌های توسعه‌یافتگی کشور، ۱۳۸۷.

جدول ۷: سطوح برخورداری از شاخص‌های توسعه و توسعه نیافتگی استان‌های کشور (۱۳۷۵)\*

شماره استان	محرورم		کمتر توسعه یافته رو به پایین		نیمه توسعه یافته رو به بالا		توسعه یافته		نام استان
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۷	۴۷	۸	۲۹/۴	۵	۱۷/۶	۳	۵/۸	۱	آذربایجان شرقی
۱۳	۴۶/۱	۶	۳۰/۷	۴	۱۵/۳	۲	۷/۹	۱	آذربایجان غربی
۱۲	۲۵	۳	۲۵	۳	۴۱/۶	۵	۸/۳	۱	گیلان
۲۰	۱۰	۲	۳۰	۶	۴۵	۹	۱۵	۳	مازندران
۲۳	۳۹/۱	۹	۳۰/۴	۷	۲۶	۶	۳/۳	۱	خراسان
۹	۶۶/۶	۶	۱۱	۱	۱۱	۱	۰	۰	سیستان و بلوچستان
۸	۶۲/۵	۵	۲۵	۲	۰	۰	۱۲/۵	۱	هرمزگان
۸	۳۷/۵	۳	۳۷/۵	۳	۲۵	۲	۰	۰	بوشهر
۱۵	۴۶/۶	۷	۳۳/۳	۵	۱۳	۲	۶	۱	خوزستان
۶	۶۶/۶	۴	۱۶/۶	۱	۱۶/۶	۱	۰	۰	ایلام
۱۱	۸۱/۸	۹	۹	۱	۰	۰	۹	۱	کرمانشاه
۷	۵۷/۱	۴	۲۸/۵	۲	۱۴/۲	۱	۰	۰	کردستان
۶	۰	۳۳/۳	۵۰	۳	۰	۰	۱۶/۶	۱	همدان
۷	۱۴/۲	۱	۵۷/۱	۴	۱۴/۲	۱	۱۴/۲	۱	مرکزی
۵	۲۰	۱	۴۰	۲	۲۰	۱	۲۰	۱	زنجان
۱۶	۱۲/۵	۲	۲۵	۴	۵۰	۸	۱۲/۵	۲	اصفهان
۶	۱۶/۶	۱	۰	۰	۶۶/۶	۴	۱۶/۶	۱	یزد
۱۲	۳۳/۳	۴	۴۱/۶	۵	۱۶/۶	۲	۸/۳	۱	کرمان
۱۵	۱۳/۳	۲	۴۰	۶	۴۰	۶	۶/۶	۱	فارس
۳	۳۳/۳۳	۱	۰	۰	۳۳/۳	۱	۳۳/۳	۱	چهارمحال و بختیاری
۴	۵۰	۲	۲۵	۱	۲۵	۱	۰	۰	کهگیلویه و بویراحمد
۱۲	۰	۰	۱۶/۶	۲	۳۳/۳	۴	۵۰	۶	تهران
۴	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۴	۰	۰	سمنان
۷	۵۷/۱	۴	۱۴/۲	۱	۲۸/۵	۲	۰	۰	لرستان

\* بر اساس محاسبات حکمت‌نیا و موسوی، حاصل از تلفیق عامل‌های توسعه یافتگی کشور، ۱۳۷۵.

### نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش که سنجش توسعه‌یافتگی شهرستان‌های ایران بر مبنای تقسیمات سیاسی- اداری سال ۱۳۸۵ کشور انجام گردید، در بین عوامل توسعه‌ی شهرستان‌های کشور عامل آموزشی به عنوان مهمترین عامل شناخته شده، که نشان از رشد سریع شهرستان‌های کشور، به لحاظ شاخص‌های موجود در این عامل نسبت به سایر عوامل می‌باشد. بیشترین اختلاف در عامل‌های مطرح شده در عامل اقتصادی- اجتماعی بوده است که نشان از نابرابری شدید در برخورداری از شاخص‌های این عامل در سطح کشور است. در طرف مقابل، کمترین اختلاف در سطح کشور به عامل بهداشتی اختصاص دارد. در مجموع شهرستان‌های تهران و شمیرانات به علت فاصله‌ی بسیار زیاد در برخورداری از امکانات توسعه در مقایسه با سایر مناطق کشور به عنوان نواحی ناهمگن مطرح می‌باشند. توزیع فضایی سطوح توسعه‌یافتگی حاکی از آن است که، از لحاظ دسترسی به شاخص‌های توسعه هر چه از مرکز کشور به سمت پیرامون حرکت کنیم از شدت برخورداری کاسته و به نواحی محروم اضافه می‌شود. در بین استان‌های کشور وضعیت کلی استان‌های تهران، اصفهان و یزد در اکثر عامل‌های توسعه مطلوب و در عین حال استان‌هایی نظیر سیستان و بلوچستان، کردستان، خراسان جنوبی، کرمانشاه و خوزستان نامطلوب می‌باشد. این مهم بیانگر آن است که عمدتاً نواحی مرزی که به لحاظ جغرافیایی در حاشیه‌های کشور قرار گرفته‌اند و در برگیرنده‌ی گروه‌های قومی اصیل ایرانی می‌باشند، کمتر توسعه یافته‌اند؛ که این وضعیت به نوعی تئوری مرکز- پیرامون را به ذهن متبادر می‌سازد. اینک عدالت اجتماعی و ضرورت حفظ و گسترش چسبندگی ملی از یک سو و ضرورت‌های توسعه و توازن منطقه‌ای در نظام برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای از سوی دیگر، بر اهمیت موضوع افزوده، اینک این کارکردها و نتایج مترتب بر آن، عطف توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان ملی را بیش از پیش به خود می‌طلبد.

از سوی دیگر نتایج حاصل از تحلیل تطبیقی سطوح توسعه‌یافتگی سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ کشور در این پژوهش بیانگر آن است که در گروه شهرستان‌های توسعه‌یافته و محروم تغییر محسوسی مشاهده نمی‌شود، ولی در گروه شهرستان‌های نیمه‌توسعه‌یافته رو به بالا و گروه شهرستان‌های محروم تفاوت معنی‌داری هم به لحاظ درصدی و هم از نظر تعداد نسبت به سال ۱۳۷۵ در سال ۱۳۸۵ داشته‌اند. این امر مبین آن است که سیاست تمرکززدایی از قطب‌های رشد و رفع محرومیت از نواحی پیرامونی طی دهه‌ی گذشته، نتوانسته است، موفقیت چندانی در توسعه‌ی منطقه‌ای در کشور کسب نماید.

معدود شهرستان‌هایی هم که از گروه شهرستان‌های توسعه‌نیافته دهه‌ی قبل، به گروه توسعه‌یافته طی این دهه راه پیدا کردند، یا شهرستان‌هایی بوده‌اند که به لحاظ تقسیمات سیاسی و اداری به مرکز استان تبدیل شده‌اند و یا شهرستان‌های پیرامون متروپل‌های تهران و اصفهان بوده‌اند. در تبیین این رخداد می‌توان اذعان نمود که سیاست مرکز- پیرامون به مرحله‌ی سوم خود (تراوش به حومه) در کشور ما رسیده است، اما در پایین جدول، اغلب نواحی محروم و مناطقی بوده‌اند که در طی دهه‌ی اخیر بر اثر تقسیمات سیاسی از شهرستان‌های مادر جدا شده‌اند و به عنوان نواحی مستقل شناخته شده‌اند. لذا چنانکه گذشت توجه بیش از پیش به این‌گونه نواحی در کشور ضرورتی حتمی و اولویت‌دار به نظر می‌رسد.

### منابع و مأخذ

- ۱- آسایش، حسین (۱۳۸۱). روش‌شناسی و تکنیک‌های تحقیق در علوم انسانی با تأکید بر جغرافیا، تهران. انتشارات قومس.
- ۲- بختیاری، صادق (۱۳۸۰). تحلیل مقایسه‌ای از توسعه صنعتی استان‌های مختلف کشور، مجله پژوهش‌های بازرگانی. شماره . تهران.
- ۳- حکمت‌نیا، حسن و موسوی، میرنجف (۱۳۸۵). کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، یزد. انتشارات علم نوین.
- ۴- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۷۸). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، یزد انتشارات دانشگاه یزد.
- ۵- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۸۳). مکتب‌هانظریه‌ها و مدل‌های برنامه‌ورنامه‌ریزی منطقه‌ای، یزد. انتشارات دانشگاه یزد.
- ۶- زیاری، کرامت‌الله و جلالیان، اسحاق (۱۳۸۷). مقایسه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان فارس و تغییرات آن طی دوره‌ی ۱۳۷۵-۱۳۵۵، مجله جغرافیا و توسعه. شماره ۱۲. زاهدان.
- ۷- سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۷۹). مطالعه روند تغییرات سطوح توسعه صنعتی و توسعه منطقه‌ای در ایران طی دوره ۷۵-۱۳۵۵، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۲۳. تهران.
- ۸- فرج‌زاده، منوچهر (۱۳۸۶). تکنیک‌های اقلیم‌شناسی، تهران. انتشارات سمت.
- ۹- کلانتری، خلیل (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، تهران. انتشارات خوشبین.
- ۱۰- کلانتری، خلیل (۱۳۸۰). نقدی بر متدولوژی سنجش سطح توسعه‌ی انسانی UNDP، مجله تحقیقات جغرافیایی شماره پیاپی ۶۱. مشهد.
- ۱۱- کلانتری، خلیل (۱۳۸۲). پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی و اقتصادی، تهران. نشر شریف.
- ۱۲- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور. تهران.

- ۱۳- موسوی، میرنجف و حکمت‌نیا، حسن (۱۳۸۴). تحلیل عاملی و تلفیق شاخص‌ها در تعیین عوامل مؤثر بر توسعه انسانی نواحی ایران، مجله جغرافیا و توسعه. شماره ۶. زاهدان.
- ۱۴- موسوی، میرنجف (۱۳۸۲). سنجش درجه توسعه‌یافتگی نواحی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا. به راهنمایی کرامت‌الله زیاری. یزد.
- ۱۵- مومنی، منصور و فعال‌قیومی، علی (۱۳۸۶). تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS، تهران. انتشارات کتاب نو.
- ۱۶- مویر، ریچارد (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دکتر دره میرحیدر و سید یحیی صفوی، تهران، سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
- ۱۷- مهدی‌زاده و همکاران (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی راهبردی توسعه‌ی شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران). تهران. نشر پیام سیما.
- ۱۸- پاپلی‌یزدی، محمدحسین و رجبی‌سناجردی، حسین (۱۳۸۲). نظریه‌های شهر و پیرامون. چاپ اول. تهران. انتشارات سمت.
- ۱۹- پاپلی‌یزدی، محمدحسین و امیرابراهیمی، محمد (۱۳۸۱). نظریه‌های توسعه روستایی، چاپ اول. تهران. انتشارات سمت.
- ۲۰- توفیق، فیروز (۱۳۷۲). تحلیل عاملی، تلفیق شاخص‌های منطقه‌ای، مجله آبادی. شماره ۱۰. تهران.
- ۲۱- عسکری، علی (۱۳۸۰). جزوه درسی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- ۲۲- حسین‌زاده دلیر، کریم (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، تهران. انتشارات سمت.
- ۲۳- شکوئی، حسین (۱۳۷۷). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، چاپ سوم. تهران. انتشارات سمت.
- ۲۴- تقوایی، مسعود و قائدرحمتی، صفر (۱۳۸۵). تحلیل شاخص‌های توسعه فرهنگی استان‌های کشور، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای. شماره ۷. مشهد.
- ۲۵- قرخلو، مهدی و حبیبی، کیومرث (۱۳۸۴). تحلیل مهاجرت در ارتباط با سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۸۱. مشهد.
- ۲۶- گیلبرت، آلن و کاگلر، ژوزف (۱۳۷۵). شهرها، فقر و توسعه (شهرنشینی در جهان سوم)، ترجمه پرویز کریمی. تهران. انتشارات شهرداری تهران.
- 27- Wheeler, J, Muller, P (1986). Economic Geography, John Wiley and Sons, Inc, Camuca.
- 28- Harvey, J (1996). Urban Land Economic, London.
- 29- Friedman, J (1972). A General Theory of Polarized Development, In: Hansen, N.M. (Ed), Growth Centers in Regional Economic Development, Macmillan Co, Ltd.
- 30- Clark, D (2000). Urban World/Global City, Rout Ledge, London.
- 31- UNDP, Human Development Report(1990-2003). NewYork, Oxford University Press (11 Issues).